

فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی- پژوهشی

سال یازدهم- شماره چهارم- زمستان ۱۳۹۷- شماره پیاپی ۴۲

روشهای تلفیق عبارتها و اشعار عربی با متن فارسی در تاریخ جهانگشا و نفثه المصدور
(ص ۱۰۳-۱۲۳)

مهسا رضایی^۱

تاریخ دریافت مقاله: پاییز ۹۶

تاریخ پذیرش قطعی مقاله: پاییز ۹۶

چکیده

کتابهای نفثه المصدور شهاب‌الدین زیدری و تاریخ جهانگشای عطاملک جوینی از آثار تاریخی- ادبی ارزشمند قرن هفتم هجری قمری هستند. نویسندگان این دو اثر با شگردهای مختلفی از اشعار و عبارات عربی در لابلای نثر فارسی استفاده کرده‌اند. در این پژوهش ارتباط لفظی و معنوی عبارات عربی با نثر فارسی مورد بررسی قرار گرفت و اینکه عبارات عربی چه جایگاهی در کلام داشته و با چه شیوه‌ای با متن فارسی تلفیق یافته است؟ نتایج پژوهش به خوبی نمایان ساخت که عبارات عربی در دو کتاب نفثه المصدور و تاریخ جهانگشا از سویی میتوانند ارتباطی لفظی با متن فارسی برقرار کنند که این ارتباط به دوشکل نمایان است: نخست آنکه عبارات و اشعار عربی به عنوان قسمتی از کلام در جمله، جایگاه نحوی چون نهاد، مفعول، مسند، مضاف‌الیه، قید، متمم و شبه جمله اخذ میکنند و دوم اینکه از حیث بلاغی با یکی از مقوله‌های بلاغت مانند: تشبیه، تمثیل، کنایه، ایهام، ایجاز، مناظره و... جلوه‌گری میکنند و از سوی دیگر تضمینهای عربی به خوبی توانسته‌اند ارتباطی معنایی با نثر فارسی به روشهای مختلفی چون ترمیم، تأکید، تنظیر، توصیف، ملخص و حلّ معانی برقرار کنند.

کلمات کلیدی: نفثه المصدور، تاریخ جهانگشا، درج، تضمین، ارتباط لفظی، ارتباط معنوی

^۱ - دانشجوی دکترای زبان و ادبیات فارسی دانشگاه رازی (mah.reza@pgs.razi.ac.ir)

۱- مقدمه

در اوایل قرن هفتم، نویسندگان و مترسّان فارسی زبان برای نشان دادن توانایی خود در نویسندگی، با وسعت مجالی که از حیث انتخاب و استعمال الفاظ و تعبیرات در نثر فراهم بود، توجه زیادی به آرایش کلام و تناسب الفاظ و معانی نشان دادند و در این راه به غایت تکلف رسیدند.

این نویسندگان برای جانماندن از قافله نثر فنی و مصنوع با به کارگیری مفردات، عبارات، اشعار و امثال عربی مهارت خود را در استعمال زبان عربی به رخ همعصران خود می‌کشیدند. از این میان دو دبیر و مورّخ با نام‌های « شهاب‌الدین زیدری نسوی » و « عطاملک جوینی » چهره‌های برجسته‌ای به شمار می‌آیند. شهاب‌الدین زیدری کتابی را با عنوان « نفثه المصدور » که شرح حال اندوهناک او پس از حمله تاتار است به شیوه نویسندگان هم‌دوره خود به رشته سخن کشید. زیدری بطرز بسیار مطلوبی توانسته از عبارات عربی در تالیف خود بهره‌گیرد به نحوی که ارتباط لفظی و معنوی خاصی بین عبارات فارسی و عربی ایجاد کرده است. عطاملک جوینی، مورخ نامی عصر مغول نیز در کتاب تاریخ جهانگشا توانسته است به شکلی ماهرانه از درج و تضمین عبارات و اشعار عربی بهره‌گیرد و با متن فارسی تلفیق کند. چگونگی ارتباط لفظی و معنوی عبارات عربی با نثر فارسی پرسش مورد نظر ما در این پژوهش است.

نتایج پژوهش نشان می‌دهد که عبارات عربی گاه می‌توانند به عنوان قسمتی از کلام در جمله، جایگاه دستوری داشته باشند و گاه با کاربردهای بلاغی - هنری جلوه‌گری کنند.

۲- روش پژوهش

هدف از نگارش این مقاله که به شیوه توصیفی - تحلیلی انجام شده، این است که هنر نویسندگان دو کتاب « نفثه المصدور » و « تاریخ جهانگشا » از منظر تازه‌ای مورد ارزیابی قرار گیرد بگونه‌ای که شگردهای ایشان در کیفیت درج و تضمین از اشعار، امثال، اقوال، آیات و روایات عربی با دیدی ریزبینانه مورد بررسی قرار گیرد؛ این که چگونه این مؤلفه‌ها توانسته‌اند ارتباط ظریفی بین عبارات فارسی و عربی، به مدد لفظ و معنا برقرار کنند. برای نیل به این منظور کیفیت درج و تضمین را از دو منظر ارتباط لفظی و معنوی متن فارسی با جملات عربی مورد بررسی قرار داده، سپس درجات و اقسام آنها را مشخص کرده‌ایم.

منبع ما برای تحلیل موضوع، کتاب «نفثة المصذور» شهاب الدین زیدری، تصحیح امیرحسین یزدگردی چاپ ۱۳۸۵ و نیز کتاب تاریخ جهانگشای جوینی، تصحیح محمد قزوینی چاپ ۱۳۸۲ است.

۳- پیشینه پژوهش

یزدگردی مصحح کتاب «نفثة المصذور» در قسمتی از مقدمه آن که تطوّر نثر را از ساده به فنی بیان کرده، به طور مجمل به کیفیت ارتباط لفظی و معنوی عبارات عربی با نثر فارسی کتاب نفثة المصذور پرداخته است اما این اشاره کلی بوده و فاقد دسته بندی است. خطیبی در کتاب «فنّ نثر» در قسمت مختصات درج و تضمین به بیان چگونگی ارتباط لفظی و معنوی شعر با نثر پرداخته و برای آن از شواهد عربی نیز استفاده کرده هرچند دسته بندی دقیقی برای این کار انجام نداده است.

بهار در سبک شناسی، جلد سوم در شرح ویژگیهای سبکی تاریخ جهانگشا، در بخشی به تضمین و تحلیل‌های عطاملک جوینی اشاره می‌کند که تنها به ذکر اشعار فارسی حل شده که احتمالاً از آن نویسنده است اشاره میکند و به سایر روشهای درج و تضمین در کتاب مذکور نپرداخته است.

یوسفی در پایان نامه فوق لیسانس خود با عنوان « بررسی تطبیقی تاریخ بیهقی و تاریخ جهانگشای جوینی از دیدگاه ادبی » سبک تاریخ بیهقی و تاریخ جهانگشا را از حیث ادبی مورد بررسی قرار داده است. او در بخش کوچکی از این پژوهش به ویژگی درج و تضمین می‌پردازد که این اشاره بسیار محدود و کلی است.

همّت در پایان نامه خود با عنوان « کاربردهای هنری آیات قرآنی در نثر عرفانی فارسی » به گونه‌های مختلف ارتباط لفظی و معنوی آیات با نثر فارسی و راههای ایجاد التذاذ ادبی از طریق کاربرد هنری آیات قرآنی در هفت متن عرفانی (سوانح العشاق، مرصاد العباد، کشف الاسرار، تمهیدات و ...) اشاره کرده است. وی بیشتر به کاربردهای هنری آیات قرآنی در متون عرفانی پرداخته است.

رحمانی در مقاله‌ای با عنوان « نگاهی تازه به تضمین و تطوّر تاریخی آن » در نشریه ادبیات تطبیقی دانشگاه کرمان، سال هشتم، شماره ۱۵، به تاریخچه تضمین در آثار بلاغی عربی و فارسی پرداخته و در ادامه، اقسام تضمین را برشمرده است که تا حدّی الهام بخش بنده در این پژوهش بود.

سالمیان در مقاله ای با عنوان « کاربرد عبارات عربی در مرزبان نامه » که در نشریه کاوشنامه ادبیات تطبیقی، سال دوم، شماره ۸ چاپ شد، جنبه‌های مختلف ارتباط لفظی و معنوی عبارات عربی مرزبان‌نامه با متن فارسی را بررسی کرده است و در پژوهش خود به کارکردهای دستوری و بلاغی ابیات و عبارات عربی مرزبان‌نامه پرداخته است. روشی که مورد نظر بنده در نگارش این پژوهش قرار گرفته است.

پژوهش حاضر، بر آن است که به شکل ویژه‌ای نحوه کاربرد عبارات عربی را توسط زیدری، نویسنده نفثه المصدور و جوینی، نویسنده تاریخ جهانگشا مورد تأمل قرار داده تا ارزش کار ایشان بیش از پیش آشکار شود.

۴- نثر فنی در نفثه المصدور و تاریخ جهانگشا

الف) نفثه المصدور: « نفثه المصدور » بی شبهه یکی از شاهکارها و نمونه‌های بدیع و عالی نثر فنی، مزین و منشیانه نیمه اول قرن هفتم است. آنچه که نثر نفثه المصدور را در میان آثار نثر فنی، خاص کرده است پاره بی ویژگیهاست که بدان اشاره میشود: (۱) وجود جمله‌های معترضه بسیار است که گاه کلام را ناهموار و متکلف می‌نماید... (۲) و صف در نفثه المصدور جایگاه ویژه ای دارد به نحوی که در غایت تکلف و حدّ اعلاّی تصنع است و نویسنده تلاش کرده تا از صنایع لفظی و معنوی کلام هرچه بیشتر بهره گیرد. (۳) استفاده از مضامین اشعار فارسی و مضامین احادیث (۴) استفاده از تعبیرات خاص زبان عربی و نیز بکارگیری ترکیبات عربی در سیاق عبارت فارسی (۵) وجود پاره‌ای ویژگیهای خاص مربوط به علم معانی همچون: تنافر کلمات و حروف، غرابت الفاظ، تعقید معنوی و حشو قبیح (۶) از امتیازات نفثه المصدور وجود ابیات و مصاریع عربی و فارسی فراوانی است که مؤلف به شیوه مترسّان قرنهای ششم، هفتم و هشتم نثر خود را بدان آراسته است. راهی که او در پیش گرفته، بعد از وی مورد تتبع نویسندگان کتابهایی چون « سیمط العلی » (اثر ناصرالدین منشی)، تاریخ جهانگشای جوینی و نیز تاریخ وصّاف قرار گرفته است.

ب) تاریخ جهانگشا: تاریخ جهانگشا از کتابهای تاریخی معتبر قرن هفتم است که با نثر فنی زیبایی نوشته شده است نثر عظاملک جوینی یکدست نیست؛ در پاره‌ای موارد متمایل به سادگی است. از ویژگیهای این کتاب کاربرد واژه‌های ترکی مغولی، حذف فعل با قرینه و بدون قرینه، حذف ضمیر، حذف فاعل، آوردن جمع عربی به شیوه عربی، مطابقت صفت و موصوف، بکارگیری وجه و صفی، استفاده متعادل از سجع و رعایت بعضی تناسبات است. »

استشهاد به آیه ، حدیث، مثل عربی و فارسی و شعر فارسی و عربی مانند دیگر متنهای فنی در این کتاب نیز فراوان است» (سبک شناسی نثر فارسی، غلامرضایی: ص ۲۲۴)
از مختصات قابل توجه نثر تاریخ جهانگشا درج اشعار و امثال عربی است که به موازات دیگر ویژگیهای لفظی و معنوی ، توجه نویسندگان را به خود جلب کرده است. درج و تضمین امثال و اشعار به تقلید از نثر عربی در تاریخ جهانگشا به وفور دیده میشود.

۴-۱- درج و تضمین

درج و تضمین امثله، اشعار و عبارات عربی از مختصاتی است که در مراحل کمال نثر فنی به موازات دیگر مختصات لفظی و معنوی ، توجه نویسندگان را به خود جلب می کند. هنگامی که در طی مراحل تطوّر ، نثر با پذیرفتن روش اطناپ در تلفیق و تنسیق جملهها و عبارات، بیشتر جمال اسلوب را در نظر دارد نه بیان معنی را.

« درج و تضمین اشعار و امثله و عبارات عربی مانند اقتباس از آیات و احادیث در نثر فارسی به تقلید از نثر عربی از اوایل قرن ششم به نهایت تکلف انجامید به طریقی که گذشته از مختصات لفظی و مشخصات معنوی نثر، مصاریع و ابیات شعری نیز در جهت زینت و آرایش کلام و هم در بیان معنی و مفهوم به کار گرفته میشود و در این به هم پیوستگی نه در لفظ و نه معنی هیچ گونه امتیازی که در موارد قطع و وصل این دو را از یکدیگر جدا نشان دهد ، دیده نمیشود بلکه حتی گاه بیان معنی را نیز از روش ارسال و اطلاق دور نمی سازد.» (فن نثر، خطیبی: صص ۲۱۰-۲۱۱)

الف) درج و تضمین در نفثه المصدور: یکی از وجوه برجستگی کتاب نفثه المصدور ، وجود ابیات و مصاریع فراوان عربی است که مؤلف به شیوه نویسندهگان و مترسلان قرن ششم و هفتم ، نثر خود را بدان آراسته است. «از نکات جالب نظر در این اشعار، یکی آن که نویسنده به هیچ روی میان اشعار فارسی و عربی فرقی ننهاده است و به همان اندازه که به نقل اشعار فارسی راغب بوده ، به آوردن ابیات عربی نیز اصرار تمام داشته و ابیات و مصاریع کتاب نیز در یک مورد تکرار نشده است.» (نفثه المصدور، یزدگردی: صص ۱۸-۱۷)

شیوه درج و تضمین او از عبارات و اشعار عربی ، شیوه ای نادر است زیرا وی با مهارتی درخور، روشهای متنوعی را برای استعمال جملات عربی در پیش میگیرد بگونه ای که گاه آنچنان جملات عربی را به کلام فارسی متصل میکند که معنا به شدت بدان وابسته میشود و گاه با مقاصد دیگر جملات ، عبارات و اشعار عربی را در تأیید و تبیین جملات فارسی با شیوههایی متنوع استعمال میکند که باعث زیبایی بیشتر نثر وی میشود.

ب) درج و تضمین در تاریخ جهانگشا: « در تاریخ جهانگشا درج و تضمین بیشتر برای تکمیل معناست به نحوی که شعر یا مثل بدون قطع، دنباله نثر را بیان میکند و این دشوارترین انواع درج است» (شرح مشکلات تاریخ جهانگشا، خاتمی: ص ۲۷) در تاریخ جهانگشا تحلیل شعر بخصوص تحلیل و تضمین مصراع به طریق ابوالمعالی و محمد نسوی و دیگران بسیار وجود دارد.

«چنین بر می‌آید که هر وقت می‌خواسته‌اند مصراع معروفی را در نثر تضمین کنند و این خود نوعی از ابداع و اظهار صنعت بوده است، مصراع مطلوب را بدون این که قبل از او لفظ "مصراع" یا "ع" ذکر کنند مانند سطری از نثر تضمین می‌کرده‌اند و به نظر میرسد جهانگشا هم تابع این رسم بوده است.» (سبک‌شناسی، ج ۳، بهار: ص ۱۰۰۲) در بیشتر مواردی که نویسنده تاریخ جهانگشا از درج و تضمین استفاده کرده، قصد او استشهاد، تکمیل و تایید معناست برای همین از امثال، ابیات و جملات عربی زیبا و پخته‌ای بهره برده است.

۵- ارتباط لفظی شواهد و عبارات عربی با متن فارسی در دو کتاب نفثه المصدور و تاریخ جهانگشا

گاه از درج و تضمین به گونه‌ای استفاده میشود که «نثر فارسی بی هیچ رابطه‌ای یکباره به شعر یا عبارت عربی می‌پیوندد و این بالاترین حد تناسب و کمال در صنعت درج و تضمین است» (فن نثر، خطیبی: ص ۲۱۴) در این صورت کلمه یا عبارت عربی میتواند در جمله نقش دستوری مانند نهاد، مسند، مفعول، متمم، قید، شبه جمله و... بگیرد و گاه با آوردن کلمه‌ای بین نثر فارسی و شاهد عربی، انتقال از نثر فارسی را به عربی تا حدی نمودارتر میکند که باعث میشود قسمت عمده‌ای از کلامش پایه یا پیرو یک جمله مرکب باشد و بعضی اوقات از شبه جمله یا جمله معترضه برای ارتباط الفاظ بهره میگیرد. از سوی دیگر مؤلف با ابزارهای بلاغی و هنری نیز توانسته این ارتباط لفظی را به نحوی شایسته با متن فارسی برقرار کند و برای نیل به مقصود از تشبیه، ارسال المثل و تمثیل، ایجاز، ایهام، کنایه، مناظره و... استفاده کرده است.

۵-۱- کاربردهای دستوری

۵-۱-۱- نهاد

در نفثه المصدور، گاه عبارات عربی در نقش نهاد، در کلام قرار گرفته‌اند.

- « امروز به ایمان و موثیق، صفای کلی ظاهر کردی و فردا که تجربت رفتی لَعْمُكُ
آنهم لَفی سَكْرَتِهِمْ يَعْمَهُونَ در کمینِ فرصت خزیده ، کمان قصد تاگوش کشیده. »
(نفثة المصدور، زیدری: ص ۱۳)
در جمله « لَعْمُكُ آنهم لَفی سَكْرَتِهِمْ يَعْمَهُونَ در کمینِ فرصت خزیده » عبارت عربی در
جایگاه نهاد واقع شده است.
در تاریخ جهانگشا نیز جملات و عبارات عربی نقش نهاد میگیرند :
- «العلمُ شجرةٌ أصلها بمكةٌ و ثمرها بخراسانَ از پیرایه وجود متجلببان ، جلباب علوم خالی
شد. (تاریخ جهانگشا، ج ۱، جوینی: ۴)
حدیث «العلمُ شجرةٌ أصلها بمكةٌ و ثمرها بخراسانَ» در جملات فوق، در نقش نهاد به کار
رفته است.

۵-۱-۲- مفعول

در نفثة المصدور عبارت عربی تضمین شده گاه در نقش مفعول در جمله قرار میگیرد.
- « رنج های بینهایت مالی بر شماتت اعداء حالی برگزیدم و النارُ و لا العارُ والسيفُ و لا
الحيفُ از نصوص مذهب رجولیت دید » (نفثة المصدور، زیدری: ص ۱۶)
در مثال فوق جمله «والنارُ و لا العارُ والسيفُ و لا الحيفُ» مفعول برای فعل «دید» است.
در تاریخ جهانگشا نیز گاه عبارت عربی درج شده در جایگاه مفعول قرار می گیرد و جزء
مهمی از کلام محسوب می شود.
- « و گفته اند أجمع كَلْبِك و کدام لشکر در عالم چون لشکر مغول تواند بود. » (تاریخ
جهانگشا، ج ۱، جوینی: ۲۲)
در جمله فوق « أجمع كَلْبِك » نقش مفعول را دارد.

۵-۱-۳- متمم

متمم « گروه اسمی یا اسمی است که معمولاً به وسیله حرف اضافه (متمم ساز) چیزی
به معنای کلمه دیگر می افزاید یا نقص معنی آن را تکمیل میکند » (دستور مفصل امروز،
فرشیدورد: ص ۲۰۹) در نفثة المصدور پاره ای مواقع عبارت عربی به عنوان متمم نقش
میگیرد:
- « و این قدر نادانسته که: این بنا اساسیت که بر شفا جُرفِ هارِ نهاده است » (نفثة
المصدور، زیدری: ص ۶۰)

عبارت « شَفَا جُرْفٍ هَارٍ » در جمله فوق، بعد از حرف اضافه « بر » آمده است و نقش متمم دارد.

در تاریخ جهانگشا در موارد اندکی، عبارت عربی به شکل حرف اضافه و متمم آمده است :

- «جمعی از شهریان که دست به محاربت یازیده بودند الی نار الله و سقره فرستادند» (تاریخ جهانگشا، ج ۲، جوینی: ۴۰)
عبارت «الی نار الله و سقره» حرف اضافه و متمم است .

۵-۱-۴- قید

در نفثه المصدور بیشتر قیدها از نوع قید حالت، قید زمان و قید تشبیه به کار رفته‌اند اما در تاریخ جهانگشا قیدهای کمی به کار رفته که عمدتاً قید حالت، قید زمان و مکان است. **الف) قید حالت:** « این قید همان است که در نحو عربی « حال » نامیده میشود و در جمله به شکل مفرد، مرکب و مؤول به کار می‌رود.» (دستور زبان فارسی، خیامپور : صص ۹۳-۹۲)

- مثال از نفثه المصدور : «عاقبت خسته و شکسته تَمَجُّ نَجِيعاً فِي الْمَكْرِ ذَوَائِبِهِ در پای اسب افتادم» (نفثه المصدور، زیدری: ص ۸۸)
عبارت « تَمَجُّ نَجِيعاً فِي الْمَكْرِ ذَوَائِبِهِ » نقش قید حالت دارد.
- مثال از تاریخ جهانگشا : «و دست رد بر پیشانی هر یک نهادی تا خائباً خاسراً بازگشتندی» (تاریخ جهانگشا، ج ۲، جوینی: ۴۰)
عبارت « خائباً خاسراً » نقش نحوی قید حالت دارد.

ب) قید زمان: قید زمان در بردارنده مفهوم زمان وقوع فعل است.
- مثال از نفثه المصدور : «تا سحر سرمه سهر کشیده بودم، و طول اللیلِ اِلَّا قَلِيلاً ترهات و خرافات درهم نوشته و در آن سودای بیحاصل همه شب عطارد را آزرده بودم. (نفثه المصدور، زیدری: ص ۵۱)

عبارت « و طول اللیلِ اِلَّا قَلِيلاً » قید است و در معنای « در طول شب جز اندکی » است.
- مثال از تاریخ جهانگشا: « و افعال ذمیمه و اخلاق لثیمه او در شوال سنه احدی عشره و اربعمائه بود مِنْ مَلِكِ الْمَوْتِ اِلَى مَالِكِ و ظاهر پانزده سال خلافت کرد.» (تاریخ جهانگشا، ج ۳، جوینی: ص ۱۷۲)

۵-۱-۶- اضافه

در نفثه المصدور بسیاری از جملات، عبارات و اشعار عربی با کسره به نثر فارسی اضافه شده است که زیبایی خاصی به متن داده است:

- « بعد از دو ماهه مُقام به خوی، چون پای را از خزانه فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا دیگر بار کسوت نو دادند ... » (نفثه المصدور، زیدری، ص: ۹۶)

جمله « فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا » که آیه ۲۳ سوره مومنون است به شکل مضاف الیه برای خزانه آمده است.

در تاریخ جهانگشا نیز عبارات و جملات عربی بسیاری در نقش مضاف الیه ظاهر شده‌اند و جویی نسبت به این نوع درج و تضمین علاقه زیادی نشان داده است:

- « حسابش بر انواع تکالیف عذابش بر موجب نص سَبَقَتْ رَحْمَتِي غَضَبِي راند. » (تاریخ جهانگشا، ج ۱، جویی: ص ۱۴۱)

جمله « سَبَقَتْ رَحْمَتِي غَضَبِي » مضاف الیه برای کلمه « نص » است.

۵-۱-۷- جمله معترضه

بخش عمده‌ای از جملات و عبارات عربی ملحق به نثر فارسی در نفثه المصدور به شکل جمله معترضه به کار گرفته شده است. زیدری از این جملات اغلب به شکل دعایی و توضیحی و بندرت به قصد نفرین بهره گرفته است :

الف) جمله معترضه دعایی و نفرینی:

- از نفثه المصدور: « تمنی حبّ وطن و هوای اهل و مسکن، زمام ناقه طبع سوی خراسان، سَقَى اللهُ أَطْلَالَهَا وَ مَدَّتْ عَلَيْهَا ظِلَالُ السُّحْبِ أَذْيَالَهَا می کشید. » (نفثه المصدور، زیدری ص: ۹۶)

جملات « سَقَى اللهُ أَطْلَالَهَا وَ مَدَّتْ عَلَيْهَا ظِلَالُ السُّحْبِ أَذْيَالَهَا » جملات معترضه دعایی در مورد خراسان است.

- از تاریخ جهانگشا: « و بدانند که مولانا فاها بفیهم بریشان رحمت کرد »

جمله «فاها بفیهم» نفرین است که گاه جویی از این قبیل نفرینها در تاریخ خود بهره میبرد. گفتنی است نفرین در لسان عربی زیر مجموعه دعا محسوب میشود.

ب) جمله معترضه توضیحی: در بسیاری از تضمینها، زیدری برای تأیید و تأکید مطلب از جملات معترضه توضیحی عمدتاً کوتاه استفاده می کند که البته به زیبایی متن او کمک شایانی میکند:

- « هر آینه در این سر وقت چون کرام اکرام از واجبات مذهب مروّت شمرد و از جماعتی که بجای رحمتند و حَسْبُكَ مَنْ يَرِثِي لَهُ الشَّامِتُ ، انعام عام از مفترضات دین فتوت داند» (همان: ص ۵۹)

« وَحَسْبُكَ مَنْ يَرِثِي لَهُ الشَّامِتُ » جمله معترضه‌ای است که توضیحی درباره کسی است که مورد ظلم و بی رحمی قرار گرفته است.

جوینی نیز در تاریخ جهانگشا از جملات معترضه توضیحی، به عنوان توضیح ضمنی کلام، بسیار استفاده کرده است:

- « هر کس که امام بوده باشد پدر او امام بوده باشد و پدر پدر او هَلَمْ جَرّاً تا به آدم علیه السلام» (تاریخ جهانگشا، ج ۳، جوینی: ص ۲۲۷)

جمله « هَلَمْ جَرّاً » توضیحی برای تکمیل سخن نویسنده است معادل معنایی چون به «همین منوال» است.

۵-۱-۸- جملات پایه و پیرو

در نفثه المصدور و تاریخ جهانگشا بسیاری از جملات و حتی اشعار عربی به عنوان جمله پیرو در متن به کار رفته است که در اکثر مواقع جمله پیرو با حرف ربط « که » به نثر فارسی ارتباط داده میشود. اما در نفثه المصدور گاه جملات عربی در جایگاه جمله پایه نیز قرار میگیرند.

الف) جمله پایه:

- شاهد از نفثه المصدور : « با خود میگفتم : اگر سعادتی اسلام را مدخر است لایستوی القاعدون من المؤمنین غیر اولی الضرر و المجاهدون فی سبیل الله » (نفثه المصدور ، زیدری : ص ۳۵)

جمله « لایستوی القاعدون من المؤمنین غیر اولی الضرر و المجاهدون فی سبیل الله » جمله پایه است. در تاریخ جهانگشا نمونه‌ای برای جمله پایه یافت نشد.

ب) جمله پیرو:

- شاهد برای نفثه المصدور : «صبح مشیب از مشارق مفارق بردمیده ، متقاضی اجل در شتاب و عجل که خُطوتانِ وَ قَدْ وَصَلَ.» (همان : ص ۶)

جمله « خُطوتانِ وَ قَدْ وَصَلَ » به عنوان جمله پیرو مثال فوق محسوب میشود.

^۱ - ترا بسنده است حال آنکس که دشمن بر وی رحم آورد و مهریاتی کند.

- شاهد برای تاریخ جهانگشا: «و ترقی سن که لجام نزاقت شَبان است بالا گرفت و به حد آن رسید که:

و تَلَقَّتْ سَبْعَ الی عَشْرین مین حججی و كَفَّ العَقْلُ مین غُلُوایی»
(تاریخ جهانگشا، ج ۱، جوینی: ص ۶)

بیت عربی جمله پیرو است و سخن را کامل میکند.

۵-۱-۹- شبه جمله

«شبه جمله کلمه‌ای است که متضمن معنی جمله‌ای باشد. این قسم کلمات اغلب عمل جمله و فعل را انجام می دهند» (دستور زبان فارسی، خیامپور : ص ۱۰۱) :

- مثال از نفثه المصدور: « به خون من تشنه گشته بود و آن قربت ریزه که یافتم و یا لیت نیافتمی » نفثه المصدور، زیدری: ص ۱۳)

در مثال فوق « و یا لیت » شبه جمله امید و آرزوست.

- مثال از تاریخ جهانگشا: «ایها العشاق باز آن دستان آمد پدید» (تاریخ جهانگشا، ج ۱، جوینی: ص ۲)

عبارت «ایها العشاق» شبه جمله است.

جوینی در شواهد بسیار اندکی در تاریخ خود، تضمین عربی را به شکل شبه جمله به کار برده است.

۵-۲- کاربردهای بلاغی - هنری

۵-۲-۱- تشبیه

« تشبیه عبارت است از مانند نمودن چیزی در معنایی به ادواتی خاص، به عبارت دیگر بیان مشارکت دو چیز است در وصفی از اوصاف به توسط الفاظ مخصوص» (معالم البلاغه، رجایی: ص ۱۵۱)

در موارد بسیاری، زیدری به قصد قرابت معنایی از تشبیه به نحو مطلوبی بهره میگیرد و بدین طریق مفهوم و معنا را برای خواننده مجسم میکند. بیشتر تشبیه‌های او تشبیه مرکب و تشبیه تمثیل است:

- « و فراهم آورده عمر از خاصه و خرجی و خون دل مسلمانان و گرجی گرمادِ اشدت به
الریحُ فی یومِ عاصِفٍ رها کرد » (نفثه المصدور، زیدری: ص ۴۳)

۱- چون خاکستری بود که بادی صعب درآید بر آن در روزی سخت باد (ابراهیم/ ۱۸)

در مثال فوق نویسنده بی‌ارزشی خون مسلمانان نزد تاتار را با هنرمندی به خاکستر در دست بادِ سخت تشبیه کرده است و جملهٔ عربی مشبهه به این تشبیه مرکب است. جوینی در تاریخ جهانگشا در بسیاری موارد برای عینی کردن موضوعی از همانندسازی استفاده میکند و اغلب از اشعار و تشبیهات مشهور ادبیات عرب بهره میگیرد:

- «و دیگران در مهامه و فیافی افتان و خیزان کالدی استّهوتة الشیاطین فی الارض حیران» (تاریخ جهانگشا، ج ۲، جوینی: ص ۵۶)

در مثال فوق جوینی برای موضوع سرگردانی افراد از تشبیه قرآنی «کالدی استّهوتة الشیاطین فی الارض حیران» (شخصی که توسط شیطان گمراه شده) بهره برده است.

۵-۲-۲- ارسال المثل و تمثیل

در برخی موارد نویسنده «نفثه المصدور» برای زینت دادن به کلام و تاثیر گذاری بیشتر بر ذهن مخاطب، از تضمین به طریق تمثیل استفاده کرده و از اشعار و آیات قرآن به نیکی برای نیل به مقصودش بهره گرفته است:

- «به لشکرگاه تاتار، دمار از آن رباع و دیار برآورد.

و جُرْمٌ جَرَّهٗ سَفْهَاءٌ قَوْمٌ وَ حَلٌّ بِغَيْرِ جَارِمِهِ الْعَذَابُ»^۱
(نفثه المصدور، زیدری: ص ۲۵)

در نمونهٔ فوق، زیدری برای نشان دادن این مطلب که عده‌ای بیگناه خونشان به دست تاتار مباح شمرده شد، از بیت متنبتی که مثل سایر شده بهره میگیرد. (ارسال المثل)
جوینی نیز با تسلط بر امثال و حکم عربی توانسته در جاهای بسیاری برای تلفیق آن با سخن فارسی بهره بگیرد:

- «و به تدریج از احوال استکشافی میکند چون به حقیقت سرّ ایشان استدلال میگیرد شک و شبهه مرفوع میگردد و ابدی الصریح عن الرغوه» (تاریخ جهانگشا، ج ۲، جوینی: ص ۵۶)

جوینی برای مطرح کردن موضوع پی بردن به ذات دیگران از تمثیل عربی «ابدی الصریح عن الرغوه» (خالصی از سرشیر پیداست) تضمین میگیرد.

^۱ - بسا گناه که سفیهان قومی مرتکب شدند و عذاب و عقوبت بر آن که بدان گناه دست نیازیده فرود آمده است.

۵-۲-۳- کنایه

« ایراد لفظ و اراده معنی غیرحقیقی آن به صورتی که بتوان معنی حقیقی آن را نیز اراده کرد بدون وجود قرینه صارفه » (معانی و بیان، علوی مقدم و اشرف زاده: ص ۱۳۳) در نفثه المصدور کنایات عربی نقش مهمی در خلق زیبایی و هنری کردن کلام دارند:

- « و چون بلا را به حوالی خویش محیط دیده حین لایغنی الندامة پشت دست میخاییده » (نفثه المصدور، زیدری: ص ۱۰)

عبارت « حین لایغنی الندامة » کنایه از « سود نداشتن پشیمانی » است که در فارسی نیز رایج است.

در تاریخ جهانگشا در موارد نادری نویسنده از کنایات برای تلفیق سخن استفاده کرده است:

- « و شیوخ و کهول از سرمستی دست بسته شده پای از حریم حرمت بیرون نهند و مغافصة آنچ کنگاج کرده اند به اتمام رسانند و لایحیق المکر السی ء الّا باهله » (تاریخ جهانگشا، ج ۳، جوینی: ص ۴۱)

در جملات بالا جوینی برای انتقال مفهوم، کنایه قرآنی « و لایحیق المکر السی ء الّا باهله » (و بد سگالی جز به صاحب آن باز نمیگردد) (آیه ۴۳ سوره فاطر) را اخذ کرده است.

۵-۲-۴- ایهام

آرایه ای است که « کلمه ای حداقل به دو معنی به کار رفته باشد » (نگاهی تازه به بدیع، شمیسا: ص ۱۰۱) در نفثه المصدور گاه عبارات عربی در معانی ایهامی به کاررفته اند، این ویژگی بیشتر در مواقعی است که نویسنده برای نشان دادن اطلاع خود از صرف و نحو عربی دست به این بازی واژگانی زده است:

- « بدین لقاطات زمانه دون و نفایات ایام وارون رسیده بود، منسوخ گشت، نه در آن طریقت « أَلْعَاطِفُ كَالْمَعْطُوفِ مَتَّبِعٌ وَ نَه دَرِین قَاعِدَه اَلْبَدَلِ كَالْمُبْدِلِ مَرْعَى. » (نفثه المصدور، زیدری: ص ۸۰)

در مثال فوق « أَلْعَاطِفُ كَالْمَعْطُوفِ » عبارتی است که در آن ایهام وجود دارد زیرا در بردارنده یک معنای ظاهری یعنی عدم تبعیت از گذشته است و نیز یک معنای نحوی یعنی عاطف (کلمه پیش از حرف عطف) مانند معطوف (کلمه پس از حرف عطف) شده است؛ همچنین در ادامه، عبارت « اَلْبَدَلِ كَالْمُبْدِلِ » نیز دارای دو معنای ایهامی است: یکی نیابردن رسم و آیین نو و دوم به این قاعده نحوی اشاره دارد که بدل از مُبْدِلٌ مِنْهُ تبعیت میکند.

در تاریخ جهانگشا نمونه‌ای برای بکارگیری ایهام به شکل تضمین دیده نشد.

۵-۲-۵- مناظره

« شهاب‌الدین زیدری از روش مناظره برای رد و ابطال کلام مخاطب بهره گرفته است، چنان که گویی دو طرف مناظره هر داون عرب زبان بوده‌اند.» (نفثة المصدور، یزدگردی: ص ۲۰):

- « به اتفاق انگشت خلق به دندان ماند، یکی به تعجب: یا لیت قومی یعلمون بماغفر لی ربی و جعلنی من المکرمین میخواند دیگری به طعنه میگفت: رَّبِّمَا اسْتَقْبَحْتَ عَلَيَّ الْاِقْوَامِ» (همان: ص ۷۹)

در مثال بالا دو طرف سخن فی‌البداهه مقصود مورد نظر خود را به نحوی هنری بر زبان می‌آورند و مناظره زیبایی را شکل میدهند.

در تاریخ جهانگشا نیز در موارد اندکی نمونه‌هایی از مناظره دیده میشود و اشعار پخته‌ای برای پاسخ دادن به طرف مقابل بیان شده که به غنای نثر کمک کرده است:

- « این کس چون اظهار شکایت شاعر و روایت این قطعه کرد عزیز به جواب او گفت: هذا سنیء اشتَرَکنا فی الیهجا به فُشارکنی فی العفو عنهُ»
بار دیگر هجایی دیگر گفت و فضا قاید جیش او را در آن اضافه کرد:
تَنْصَّرُ فَالتَنْصَرُ دین حق علیہ زماننا هذا یدلُ»
(تاریخ جهانگشا، ج ۳، جوینی: ص ۱۶۳)

این گونه پاسخ‌گویی با ابیات رسای عربی ارزش مناظره را دوچندان کرده است.

۵-۲-۶- ایجاز

« بیان معنی را در کوتاهترین لفظ ایجاز گویند، البته کوتاهی لفظ از معنی به شرط آن است که در القای معنی، اخلال نکند» (معانی و بیان، تجلیل: ص ۳۷) در نفثة المصدور گاه کلام به دلیل ذکر شواهد شعری یا قرآنی - روایی به اطناب و دراز گویی می‌انجامد اما در بسیاری از موارد سخنان نویسنده به طریق مساوات و یا ایجاز است. بسیاری از اقوال، آیات یا امثال عربی به قصد ایجاز کلام در سخنان زیدری قرار گرفته است چنانچه خود به آن مقرر است «و در اثنای آن احوال، اذیال بر سبیل ایجاز، و فی الناس من إذا أوجزَ أعجزَ فراهم گرفته‌ام» (نفثة المصدور، زیدری: ص ۱۱۰)

- « سخن آن که طولُ العَهْدِ مُنْسِيٌ اُگفت بنزدیک من باری خلاف است. » (همان :ص: ۱۲۵)

در مثال فوق از زیدری، قول « طولُ العَهْدِ مُنْسِيٌ » دربردارندهٔ نهایت ایجاز است زیرا به سختی میتوان این مضمون را با واژه‌های اندک، به زبان فارسی بیان کرد. یکی از ویژگیهای نثرهای تاریخی بالاخص تاریخ جهانگشا، اطناب است اما گاه نویسنده برای طولانی نشدن کلام از عبارات عربی موجزی استفاده میکند که خواننده به درک مقصود نایل شود:

- « و بدان سبب معذب اند لیکن غلبه جهل راست یقولونَ ما لا یفعلونَ » (تاریخ جهانگشا، ج ۱، جوبینی:ص: ۴۴)

جوبینی در جملات فوق برای طولانی نشدن کلام به بخشی از آیه قرآن « یقولونَ ما لا یفعلونَ » (۲۶:۲۶) که اذهان با آن آشناست، اشاره میکند.

۶- ارتباط معنوی شواهد و عبارات عربی با متن فارسی

در تاریخ جهانگشا و نفثة المصدور گاه با مهارت خاصی ارتباط معنایی بین کلام فارسی و عبارات عربی برقرار میشود. بدین گونه که « شعر یا عبارت عربی بدون قطع و انحراف، دنبالهٔ نثر فارسی را بیان مینماید. در این نوع که دشوارترین انواع درج در نثر به شمار می‌آید، شواهد عربی بی فاصلهٔ لفظ یا ترکیبی که آن را از نثر فارسی جدا کند، بدان می‌پیوندد. » (فن نثر، خطیبی:ص: ۲۱۶) جوبینی و زیدری برای تتمیم و تکمیل سخن از این روش بهره بیشتری برده‌اند. برخی مواقع نیز برای معانی غنایی، رثا، مدح و.. از توصیف، تشبیه و یا تمثیل استفاده کرده‌اند و گاه برای القاء سخن، شعری عربی به صورت نظیر ذکر کرده‌اند. از روشهای دیگری که این دو مؤلف توانسته‌اند به وسیلهٔ آن‌ها پل معنایی بین متن فارسی و عربی برقرار کنند توضیح یا تأیید و تأکید است که « از رایجترین انواع تضمّن و درج به شمار رفته و به نسبت از سایر اقسام بیشتر به کار رفته است » (همان:ص: ۲۲۱)

سواً این روشها بهره‌گیری از نقل قول، حل (تحلیل معنی) و ملخص (تلخیص مطلب) نیز از مهارتهای دیگر زیدری و جوبینی در درج و تضمین سخنان عربی است. در این بخش، انواع ارتباط معنوی بین اجزای فارسی و عربی سخن را در نفثة المصدور و تاریخ جهانگشا نشان داده میشود:

^۱ - دوری دیدار، فراموشی را باعث آید.

۶-۱- تکمیل و تتمیم

تکمیل یا تتمیم بدین معناست که « شعر یا عبارت عربی، معنی نیمه تمام عبارت فارسی را تمام کرده است و جزیی از اجزای جمله را تشکیل میدهد به گونه‌ای که اگر حذف شود معنی کلام ناقص میشود. » (فن نثر، خطیبی: ص ۲۱۶) در این نوع از تضمین که دشوارترین انواع درج در نثر به شمار می‌آید شعر یا عبارت عربی بی فاصله لفظ یا ترکیبی که آن را از نثر فارسی جدا کند بدان می‌پیوندد؛ تکمیل و تتمیم در نهایت مهارت در نفثه‌المصدور انجام پذیرفته است:

- « احوال محشر و احوال رستاخیز ، چنان که زبان وحی فرماید: یَوْمَ یَفْرُ الْمُرءُ مِنْ أُخْبِهِ وَ أُمِّهِ وَ أَبِیهِ وَ صَاحِبَتِهِ وَ بَنِيهِ »^۱ عیان دیده شد. (نفثه‌المصدور، زیدری: صص ۴۳-۴۴)

در مثال بالا آیه « یَوْمَ یَفْرُ الْمُرءُ مِنْ أُخْبِهِ وَ أُمِّهِ وَ أَبِیهِ وَ صَاحِبَتِهِ وَ بَنِيهِ » تمام‌کننده معنای جمله است .

در تاریخ جهانگشا نیز تکمیل و تتمیم در پاره‌ای موارد به کار رفته است:

- « وسوسه شیطان ایشان را از راه سداد و جاده رشاد دور انداخت الّا الذین آمنوا و عملوا الصّاحات و قلیل ما هم » (تاریخ جهانگشا، ج ۱، جوبنی: ص ۱۳)

عبارت عربی که بخشی از آیات قرآن (۲۴:۳۸) است در تکمیل کلام نویسنده ذکر شده است.

۶-۲- تأکید و تأیید

« این نوع، از رایج‌ترین انواع تضمین و درج به شمار رفته و به نسبت از سایر اقسام بیشتر به کار میرود. » (فن نثر، خطیبی: ص ۲۲۱) در نفثه‌المصدور نیز نویسنده، برای تأکید، تأیید و صحه‌گذاردن بر معانی پیشین از این روش بسیار استفاده کرده است :

- « طالب علم‌یست سودا برسرزده ، تا تن دو نیم نکند ، ذوفنون نشود لم تکنوا بالِغیهِ الّا بشقِّ الانفُسِ »^۲ (نفثه‌المصدور، زیدری: ص ۳)

در مثال فوق ، نویسنده برای تأیید مطلب خود از آیه « لم تکنوا بالِغیهِ الّا بشقِّ الانفُسِ » (۷/۱۶) بهره برده است.

در تاریخ جهانگشا نیز نویسنده به شکل وسیعی از این روش تضمین بهره‌مند شده است:

^۱ - در آن روز که انسان از برادر خود میگریزد ، و از مادر و پدرش ، و زن و فرزندانش (عبس/ ۳۶-۳۴)

^۲ - نباشید شما رسندگان مگر به رنج تن ها (النحل/۷)

- « و هیچ سائل از زفان او لا و لم نشنید
لا فی الجواب تقصُّ اجنحه المُنی و لأجلِ هذا تشبه المقراضاً»
(تاریخ جهانگشا، ج ۱، جوینی: ص ۴۴)
در نمونه فوق، شعر عربی در تأیید جملات فارسی ذکر شده است.

۳-۶- توصیف و تشریح

در نفثه المصدور و تاریخ جهانگشا هرجایی نویسنده لازم دیده، عبارات عربی را برای توصیفات زیبا و تشریح معنای مورد نظر خود به کار برده است.
- نمونه ای از نفثه المصدور: « زمین که از قطرات زاله رنگ لاله داشتی تری عن دم القتلی
بِحُمْرَةِ عِنْدَم شَجْرَةِ شَمَشِيرِ که بهشت در سایه اوست که أَلْبَجَنَةُ تَحْتِ ظِلَالِ السِّيُوفِ
چون درخت دوزخیان سر بر آورده طَلَعَهَا كَأَنَّهُ رُؤْسُ الشَّيَاطِينِ » (نفثه
المصدور، زیدری: ص ۱)

در مثال فوق نویسنده برای جملات فارسی، توصیف های معادل گونه عربی آورده است.
- شاهدی از تاریخ جهانگشا: « روی شکنیده بازار ماه، دندانمانند در درفشان و دهانی
شبه پسته خندان و خلقی از عشق او گریان
غلی وَجْهٍ مِیِّ مَسْحَةً مِنْ مَلَا حِهِ و تَحْتِ الشَّيَابِ الْخَزْيِ لُو كَانِ بَادِيَا»
(تاریخ جهانگشا، ج ۲، جوینی: ص ۲۶۷)
شعر عربی، توصیفی برای بیان زیبایی است که در جملات فارسی ذکر شده است.

۴-۶- تنظیر و تطبیق

«چنان که معنی عبارت یا شعر تضمین شده به گونه ای نظیر معنی عبارتی باشد که در آن جای گرفته است به صورتی که نویسنده نخست معنی شعری را که در عبارت تضمین خواهد کرد به نثر بیان داشته و سپس همان شعر را به صورت نظیر برای تأکید معنی می آورد» (فن نثر، خطیبی: ص ۲۲۰):

- در نفثه المصدور: « و روباه خداع را بر شیران مصتاع و دلیران قرآع فرمانروایی و کار
فرمایی اثبات کرده و يَا بُوَسْ أَسَدٍ ذَلَّلْتَ لِلشَّعَالِبِ » (نفثه المصدور، زیدری: ص ۳۷)

^۱- از خون کشتگان به سرخی شاخ بقم نمودار است.

^۲- بهشت زیر سایه ی شمشیر هاست. (حدیث)

^۳- میوه و بار آن گویی سرهای شیاطین است. (الصافات/ ۶۵)

در نمونه فوق، مصراع عربی، معنایی نظیر متن فارسی دارند و یا گویی مطابق با جملات فارسی هستند.

- در تاریخ جهانگشا: « من از کجا سخن سرمملکت ز کجا و مایعلمُ الغیبَ آلا الله » (تاریخ جهانگشا، ج ۱، جویی: ص ۸)
در شاهد فوق جمله عربی، نظیر معنایی شعر فارسی است.

۶-۵- ملخص

تلخیصی از یک جمله، آیه یا شعر است یعنی نویسنده تنها به ذکر کلمات مورد نظر از تضمین بسنده میکند. در نفثه المصدور مواردی از ملخص به چشم میخورد که گویی مقصود خاص نویسنده است و زیدری تنها به ذکر آنها اکتفا میکند که به کار متن فارسی می‌آید:

- چراغ وار آخر کار شعله‌ای برآورد و بمرد، بانی اسلام بود، بدأ غریباً و عاد غریباً
(نفثه المصدور، زیدری: ص ۴۷)

عبارت عربی مثال فوق، تلخیصی برگرفته از حدیث « إنَّ الا سلامَ بدأ غریباً و سَیَعُودُ غریباً کما بدأ فطوینی للغرباء » (جامع الصغیر، ج ۱: ص ۷۸)
در تاریخ جهانگشا نیز نویسنده گاهی از ملخص استفاده کرده است:

- « رعایت جانب قرابت و مواصلت را به اقالت عترت، عین فرض داند و التزام طرف مَلکتَ فأسجج را به گاه حشمت و جاه در ذمت کرم دین و قرض » (تاریخ جهانگشا، ج ۳، جویی: ص ۶۳)

عبارت عربی برگرفته از اصل حدیث نبوی « اذا مَلکتَ فأسجج » است.

۶-۶- حل معانی

« حلّ، اشارت به پاره‌ای از کلمات مشخص و برجسته آیه، حدیث و مثل است » (یزدگردی، ۱۳۸۵: ۲۱) « و یکی از فنی‌ترین اقسام اقتباس به شمار می‌رفته و به نسبت سایر اقسام، موارد کمتری از آن در آثار قرن ششم و هفتم دیده می‌شود. » (فن نشر، خطیبی: ص ۲۰۷) در نفثه المصدور نمونه‌هایی از حل معانی دیده میشود که نویسنده به زیبایی ازین گونه تلفیق استفاده کرده است:

- « و آثار طغیان فاش کرد، دست در نهاد و در غرّه خطب همه را بقیود مُحجّل گردانید. »
(نفثه المصدور، زیدری: ص ۲۳)

در مثال بالا کلمات «عُرّه» و «مُحَجَّل» مأخوذ از این حدیث پیامبر است که: «إِنَّ أُمَّتِي يُدْعُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ غُرًّا مُحَجَّلِينَ مِنْ آثَارِ الْوُضْءِ» (صحیح بخاری، جزء اول: ص ۶۵) در تاریخ جهانگشا نیز گاه نویسنده از حلّ معانی بهره مند شده است:

- «و سیوف چون برق آهخته، سلطان صاحب رایات آنا فتنحنا شده» (تاریخ جهانگشا، ج ۲، جوینی: ص ۷۸)

عبارت عربی برگرفته از آیه ۱ سوره فتح «إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا» است که با متن فارسی حل شده است.

۷- نتیجه گیری

مقایسه شیوه های تلفیق عبارات عربی با متن فارسی در دو اثر نفثه المصدور و تاریخ جهانگشا، این نتایج را نشان میدهد:

۱) ارتباط لفظی: ارتباط لفظی عبارات عربی با متن فارسی شامل کاربردهای دستوری و بلاغی عبارات عربی در متن فارسی می شود. نویسنده نفثه المصدور از کاربردهای دستوری بهتری جهت تلفیق عبارات عربی با متن فارسی بهره برده بود زیرا وی بخوبی توانسته است عبارات عربی را در نقشهای: نهاد، مسند، مفعول، انواع قید، مضاف الیه، متمم، شبه جمله، بدل و جمله معترضه قرار دهد. در حالی که در تاریخ جهانگشا شواهد اندکی از پذیرفتن نقش های نهاد، مسند، قید، متمم، شبه جمله یافت شد بیشتر شواهد در نقش مفعول و مضاف الیه و جمله معترضه قرار گرفتند.

در زمینه کاربردهای بلاغی، نویسنده نفثه المصدور، عبارات عربی فراوانی برای تشبیه، تمثیل، ایجاز و کنایه به کار گرفته بود و بندرت از ایهام، مناظره بهره برده بود. جوینی در تاریخ جهانگشا از عبارات عربی کمتری به قصد تشبیه و یا تمثیل استفاده کرده بود و در سایر مقوله های بلاغی چون مناظره و ایهام موارد انگشت شماری یافت شد که مورد استناد قرار گرفت.

۲) ارتباط معنوی: ارتباط معنوی عبارات عربی با متن فارسی شامل تکمیل و متمم، تأیید و تأکید، توصیف و تشریح، تنظیر و تطبیق، حلّ معانی و ملخص می شود. شمار زیادی از درج و تضمینهای کتاب نفثه المصدور به شکل تکمیل و متمم، تأکید و تأیید، توصیف و تشریح، تنظیر و تطبیق و در پاره ای موارد به طریق حلّ معانی و ملخص به کار رفته است. اما در تاریخ جهانگشای جوینی بیشتر عبارات عربی به شکل تکمیل و متمم، تأکید و تأیید و توصیف و تشریح به کار رفته است. شواهدی نیز از عبارات عربی یافت

شد که به طریق تنظیر و تطبیق با متن فارسی تلفیق شده بود اما موارد مربوط به حل معانی و ملخص در تاریخ جهانگشا بسیار کم و ناچیز بود. در مجموع میتوان گفت که نویسنده نفثه المصدور هرچند کتابی در حجم کم نوشته اما از شگردهای متنوع و دشوارتری برای تلفیق عبارات عربی با متن فارسی بهره گرفته است و این موضوع توانایی او را بیشتر جلوه میدهد. اما عطاملک جوینی در تاریخ جهانگشا از روشهای ساده‌تری برای تلفیق عبارات عربی با متن فارسی بهره گرفته است. بگونه‌ای که گاه درج و تضمینهای وی قابلیت قطع و انفصال از متن فارسی را دارد در حالی که در نفثه المصدور عبارات عربی آنگونه به متن فارسی گره خورده که حذف درج و تضمینهای عربی باعث قطع کلام و از هم گسستگی سخن میشود. راهی که او در پیش گرفته است، شیوه‌ای رایج برای نویسندگان بعد از وی شد.

منابع و مأخذ

- ۱- بیان و معانی، شمیسا، سیروس (۱۳۷۸)، چاپ چهارم، تهران: انتشارات فردوسی
- ۲- تاریخ ادبیات ایران ج ۲، صفا، ذبیح‌الله (۱۳۷۴)، چاپ دهم، تهران: انتشارات فردوسی
- ۷- جمله و تحول آن در زبان فارسی، فرشیدورد، خسرو (۱۳۷۸)، چاپ دوم، تهران: انتشارات امیرکبیر
- ۱۱- دستور زبان فارسی، خیامپور، عبدالرسول (۱۳۸۸)، چاپ چهاردهم، تبریز: انتشارات ستوده
- ۱۴- دستور مفصل امروز، فرشیدورد، خسرو، (۱۳۸۸)، چاپ سوم، تهران: انتشارات سخن
- ۱۵- سبک‌شناسی تاریخ تطور نثر فارسی، ج ۳ بهار، محمد تقی (۱۳۷۶)، چاپ نهم، تهران: انتشارات مجید
- ۱۶- سبک‌شناسی نثر، شمیسا، سیروس، (۱۳۸۷)، چاپ دوازدهم تهران: نشر میترا
- ۱۷- سبک‌شناسی نثر، غلامرضایی، محمد (۱۳۹۴)، چاپ اول، تهران: انتشارات سمت
- ۲۰- شرح مشکلات تاریخ جهانگشا، خاتمی، احمد (۱۳۸۰)، چاپ دوم، تهران: انتشارات پایا
- ۲۱۲۲- فن نثر در ادب پارسی خطیبی، حسین (۱۳۸۶)، چاپ سوم، تهران: انتشارات زوآر
- ۲۳- فنون بلاغت و صناعات ادبی، همایی، جلال‌الدین (۱۳۷۹)، چاپ هفدهم، تهران: نشر هما

- ۲۴- قرآن کریم، ترجمه بهاء الدین خرمشاهی (۱۳۸۴)، چاپ پنجم، تهران: انتشارات دوستان
- ۲۶- معالم البلاغه، رجایی، محمد خلیل (۱۳۹۲)، چاپ چهاردهم، شیراز: انتشارات دانشگاه شیراز
- ۲۷- معانی و بیان، تجلیل، جلیل (۱۳۶۹)، چاپ چهارم، تهران: مرکز نشر دانشگاهی
- ۲۸- معانی و بیان، علوی مقدم، محمدرضا اشرف زاده (۱۳۷۹)، چاپ دوم، تهران: موسسه سمت
- ۳۰- نفثة المصدر، زیدری، شهاب الدین (۱۳۸۵)، تصحیح و توضیح دکتر حسن یزدگردی، چاپ دوم، تهران: انتشارات توس
- ۳۲- «نگاهی تازه به تضمین و تطوّر تاریخی آن در آثار بلاغی عربی و فارسی»، رحمانی، هما (۱۳۹۵)، فصلنامه ادبیات تطبیقی، سال هشتم، شماره پانزده، ۱۶۱-۱۳۷